

نژادپرستی و ملی‌گرایی افراطی در روسیه پسا شوروی (با تمرکز بر جنبش «کله‌پوستی»ها)

مشکلات و چالش‌های عدیده دوره پس از شوروی از جمله بحران اقتصاد کلان، فقر وسیع، فساد گسترده اجتماعی و سیاسی، ضعف‌های اداری و اجرایی و از همه مهمتر بحران هویت ملی، جامعه روسیه را با مشکلات و ناهنجاری‌های عدیده‌ای مواجه کرده که گسترش پدیده بیگانه‌هراسی و نژادپرستی در قالب‌های مختلف یکی از نمودهای ملموس آن است. در کنار این نابسامانی‌ها، جنگ چچن و سیل مهاجرت به روسیه نیز تأثیری غیرقابل اغماض در گسترش اندیشه «روسیسم» و پدیده نژادپرستی در این جامعه داشته است. جنبش «کله‌پوستی»ها در مقام بزرگترین گروه نژادپرست روسیه با توسل وسیع به اقدامات خشونت‌بار، نماینده اصلی این اندیشه است که نگرانی‌های بسیاری را در داخل و خارج این کشور باعث و به مشکله‌ای مهم تبدیل شده است. سعی نوشتار حاضر بر آن است تا به قدر توان با روشی توصیفی-تحلیلی به واکاوی اسباب، چیستی و چگونگی این مشكله پردازد.

کلید واژه‌ها: روسیه، بیگانه‌هراسی، نژادپرستی، جنبش «کله‌پوستی»ها، بحران هویت، مهاجرت

مقدمه

بیگانه‌هراسی تاریخی به درازای حیات بشر دارد. بشر از ابتدای وجود همراه با احساس شک و ناخوشایندی نسبت به بیگانه و «غیرخودی» می‌زیسته که در موارد بسیار به تقابل بدون دلیل موجه منجر نیز می‌شده است. این تأثیر به حدی واقعی است که در بسیاری متون در تعریف هویت همیشه بر وجود «دیگری» تأکید و «خود» و هویت «خودی» در تقابل با «دیگری» و «غیرخودی» تعریف می‌شود. بیگانه‌هراسی در تاریخ روسیه نیز تاریخی طولانی دارد، اما توسعه و گسترش قابل ملاحظه اندیشه و اقدامات نژادپرستانه در روسیه پس از شوروی با

ویژگی خشونت‌بار آن، شمایل‌ی جدید از این پدیده است که در این تاریخ مسبوق به سابقه نیست. تقریباً هر روز گزارشی از یکی از شهرهای روسیه در خصوص جنایتی با انگیزه‌های نژادپرستانه در رسانه‌های این کشور منتشر می‌شود. این اقدامات معطوف به گسترش بی‌سابقه اندیشه «روسیسم» [1] است که هدف آن ایجاد یک جامعه تماماً روس (اسلاو) و پاک کردن روسیه از ملیت‌های غیراسلاو و خارجیان است. (McLennan 2005) رهبران گروه‌های نژادپرست به پیروان خود می‌آموزند که هر چه بدی است از خارجی‌ها ناشی می‌شود و باید با آنها با قدرت مقابله کرد. تشدید فعالیت این گروه‌ها طی سال‌های اخیر به حدی نگران بوده که سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر بین‌المللی بارها به مقامات روسیه در خصوص اهمال و عدم توجه جدی به گسترش این پدیده هشدار داده‌اند. ("Праграмма гаражданских дествиней против фашизма" 2006) رهبران برخی نهادهای مدنی داخل روسیه نیز به تکرار از مقامات دولتی خواسته‌اند و خامت گسترش پدیده نئونازیسم، بیگانه‌هراسی و تعصبات نژادی را در این کشور جدی بگیرند. با التفات به گستردگی این پدیده در جامعه روسیه و تنوع گروه‌های نژادپرست این کشور، در نوشتار حاضر بر چستی گروه‌های موسوم به «کله‌پوستی» [2] به عنوان بزرگترین و فعال‌ترین گروه نژادپرست روسیه و چرایی گسترش فعالیت آنها در چند ساله اخیر تمرکز و در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود.

شکل‌گیری و ایدئولوژی گروه‌های «کله‌پوستی» جنبش افراطی «کله‌پوستی»‌ها اولین بار در دهه 1320 (1960 م) در بریتانیا شکل گرفت و سپس در قالب‌های مختلف به سایر نقاط جهان از جمله آلمان در قالب جنبش نازیسم و سپس نئونازیسم تسری یافت. این جنبش در ابتدا شامل تشکلی از جوانان سفیدپوست با انسجام اندک بود که به واسطه مشکلات هویتی و در واکنش به موج گسترده مهاجرت دست به خشونت می‌بردند. ضدیت با سیاهان،

یهودیان، اسپانیایی‌ها (اسپانیایی‌تبارها)، آسیایی‌ها، همجنس‌بازان و مهاجرین ویژگی اصلی این گروه‌ها بود. هرچند خواستگاه اصلی «کله‌پوستی»ها بریتانیا و گسترده‌ترین محل فعالیت آنها آلمان بوده و هرچند روسیه و روس‌ها بیش از هر کشور دیگری در مقابل نازی‌ها جنگیده، از آنها نفرت داشته و در شکست آنها سهم داشتند، اما مرور تحولات سال‌های اخیر در روسیه حکایت از آن دارد که ایدئولوژی نئونازیسم بیش از هر کشور دیگری در جامعه روسیه پس از شوروی شیوع یافته است. (39: 2008)

تشکل‌های مختلفی در روسیه در قالب حزب و جنبش با گرایش‌ها و ایدئولوژی بیگانه‌هراسانه و نژادپرستانه فعال هستند که جنبش اتحاد ملی روسیه [3]، حزب حاکمیت ملی [4]، جنبش مخالفان مهاجرت غیرقانونی (دی‌پی‌ان‌آی) [5]، جنبش ملی‌گرای مردمی [6]، حزب آزادی [7]، حزب آزادی‌خواه روسیه [8]، اتحادیه اسلاوی [9]، گروه فرمت 18 [10]، جامعه سوسیالیستی ملی‌گرا (ان‌اُسی) [11]، جنبش اراده مردم [12]، حزب ملی‌گرای بلشویک [13]، جنبش کوزاک‌ها [14] و جنبش «کله‌پوستی»ها [15] از مهم‌ترین این گروه‌ها هستند. در این میان جنبش موسوم به «کله‌پوستی»ها با انسجام کمتر و پراکنده‌تر بیشتر مهم‌ترین میراث‌بر اندیشه نئونازیسم در روسیه است، نسبت به سایر گروه‌ها فعالیت بسیار گسترده‌تر و خشونت‌آمیزتری دارد و طی سال‌های اخیر به مشکله‌ای مهم برای جامعه روسیه پس از شوروی تبدیل شده است. «کله‌پوستی»های امروز روسیه مشتاقانه پیرو همان ایدئولوژی شده‌اند که پدربزرگ‌های آنها 60 سال پیش با آن مبارزه می‌کردند. (Atkinson 2007: 18) گالینا گازیون‌کووا، پژوهشگر مرکز مطالعات حقوق بشر سِووا معتقد است: «هیچ کس نمی‌خواهد به این واقعیت اعتراف کند که کشوری که دیروز فاشیسم را شکست داد، امروز

به محلي براي رشد اندیشه‌هاي فاشيستي تبديل شده است» (Nadezhdina 2007) .

الكساندر بَرْد، [16] رئيس دفتر حقوق بشر مسكو معتقد است در سال 1386 حدود 140 گروه تندرو در روسيه فعال بوده‌اند كه بيشتر آنها را گروه‌هاي «كله‌پوستي» تشكيل مي‌داده‌اند (Nadezhdina 2007) . نيكلاي سموروف [17] با اشاره به شكل‌گيري نطفه گروه‌هاي «كله‌پوستي» در دهه‌هاي 30-1320 (1950-60 م)، بر اين اعتقاد است كه مقامات دولتي در شكل‌گيري اين گروه‌ها دخيل بوده و از آنها براي دستيابي به مقاصد سياسي خود بهره مي‌برده‌اند. (Смуров 2008) به اظهار سيمون چرني، در آن زمان مقامات امنيتي و مأموران «كاگب» با سامان‌دهي به اين گروه‌ها زير نظر وزارت كشور و كميته‌هاي منطقه‌اي اتحاد جوانان كمونيست در قالب و زير عنوان «بريگادهاي كمكيار پليس»، از آنها براي تهديد و ضرب و شتم مخالفان كمونيسم (علاقه‌مندان به غرب) و مجبور كردن آنها به رها كردن به اصطلاح رفتارهاي غيراجتماعي خود و نيز ترساندن زناني كه قصد ازدواج با خارجي‌ها را داشتند استفاده مي‌كردند. هرچند تعامل متقابل اين گروه‌ها با نهادهاي امنيتي موجب انسجام نسبي و قدرتيابي قابل ملاحظه آنها در دهه 50-1360 (70 و 1980 م) شد، اما آنها همچنان زير كنترل نيروهاي امنيتي قرار داشته و فعاليت مي‌كردند. (Mitrokhin 2006: 22)

گروه‌هاي «كله‌پوستي» پس از فروپاشي شوروي (به طور دقيق از سال 1371) و در بهبوهه بي‌ثباتي‌ها و نابساماني‌هاي اجتماعي و اقتصادي دهه 70 (90 م)، خود را بازتعريف کرده، فعاليتهاي خود را در قالي جديد و البته اين بار خارج از كنترل نيروهاي امنيتي پي‌گرفته و به بزرگ‌ترين و فعال‌ترين جنبش نژادپرست روسيه تبديل شده‌اند. جنبش «كله‌پوستي»‌ها، جنبشي عمدتاً اجتماعي است و اهداف سياسي خاصي را دنبال نمي‌کند. منتسبين به

این جنبش در گروه‌های متنوع و مختلف از جمله؛ «خون و شرافت»، «اتحاد بریگاده‌های 88» و «لژیون‌های کله‌پوستی» دسته‌بندی می‌شوند و اغلب نسبت به انتساب به گروه خود حساسیت دارند (Osborn 2005). اعضای این جنبش موهای خود را می‌تراشند، به روش نازی‌ها به هم سلام می‌دهند و روی لباس‌های سیاه و پرچم‌های قرمز آنها نقش چکش‌های متقاطع به شکل صلیب شکسته، به عنوان نماد جنبش «کله‌پوستی»‌ها حک شده است (Marat 2006: 5).

گروه‌های «کله‌پوستی» اغلب دارای ساختاری منضبط هستند که کیش شخصیت رهبر و تابعیت بی‌چون و چرا از او یکی از ویژگی‌های اصلی و ساختاری این گروه‌ها است. اعضاء گروه‌های «کله‌پوستی» عمدتاً جوانانی از خانواده‌های فقیر با سطح تحصیلات پایین هستند که به طور متوسط بین 13 تا 30 سال سن دارند. بر اساس تحقیقات انجام شده، اقدامات خشونت‌آمیز این گروه‌ها اغلب توسط اعضاء جوان 15 تا 17 سال صورت می‌گیرد و بیشتر این اقدامات در مسکو، پترزبورگ، ورونژ و نیژنی‌نووگوراد متمرکز بوده است. (Фочкин 2007a) برخی اعضاء این گروه‌ها اوباش و هواداران تیم‌های فوتبال هستند، اما برخی دیگر در انجمن‌های خاص عضویت دارند، بر هدفمند بودن اقدامات خود و شناخت دشمنان روسیه مضرند و فرض بر این است که آگاهی کاملی از تاریخ و فرهنگ روسیه دارند (Фочкин 2007b).

ایدئولوژی این جنبش ملغمه‌ای خاص از اندیشه‌های نژادپرستانه نازیسم و ملی‌گرایی افراطی روسی است. به واسطه این که در بسیاری موارد دیدگاه‌ها و فعالیت‌های آنها تقلیدی از ایدئولوژی و اقدامات نئونازی‌های آلمانی است، در برخی منابع از این گروه‌ها به عنوان گروه‌های «نئونازی روسی» نیز یاد می‌شود. [18] همه «کله‌پوستی»‌ها در شعار «روسیه برای روس‌ها» مشترکند و مسئله‌ای که بیش از هر چیز آنها را با

يكديگر متحد مي‌کند، نفرت از خارجي‌ها به ويژه مهاجرين آسياي مركزي و قفقاز، آسيايي‌ها و آفريقايي‌هاي (به طور كلي سياهان) حاضر در روسيه است كه به صورت ضرب و شتم شديد و قتل آنها نمود بيروني مي‌يابد. ملّيت‌هاي غيراسلاو روسيه از جمله اتباع قفقاز شمالي (به ويژه چچني‌ها و داغستاني‌ها) و همچنين يهوديان از جمله شهروندان اين کشور هستند كه در كنار خارجي‌ها، زير شعار مقابله با «دشمنان ملت» هدف حمله گروه‌هاي «كله‌پوستي» قرار مي‌گيرند. البته در بسياري موارد ملّيت براي «كله‌پوستي»ها مطرح نيست و غيراسلاو و غيرسفيد بودن مهمترين علت نفرت و انگيزه اقدام‌هاي خشونت‌آميز آنها است. (Nadezhdina 2007)

بسياري از «كله‌پوستي»ها پيرو ديدگاه‌هاي الكساندر ساخارفسكي [19] رهبر حزب راست‌گراي افراطي مردم [20] هستند. ساخارفسكي با اعتقاد به اينكه نژاد سفيد همواره زير تاخت و تاز خارجي‌هاي غيرسفيد بوده، سياست نفرت را در ميان هواداران خود تبليغ مي‌كند. او همانند قاطبة «كله‌پوستي»ها به شدت ضد يهود است و از اينكه هيتلر نتوانست روسيه را از شر يهوديان پاك كند، ابراز تأسف مي‌كند. به اظهار او؛ «هيتلر مي‌خواست روسيه را از ظلم يهوديان نجات دهد و رومانف‌ها را به قدرت بازگرداند، اما خدا به او اين اجازه را نداد و امروز اين وظيفه ماست كه اين هدف را به انجام رسانيم». (Osborn 2005) طبق گزارش مركز مطالعاتي سووا [21] جنايات «كله‌پوستي»ها ويژگي‌هاي مشتركی به قرار زير دارد:

1. تمام قربانيان ظاهري غيراسلاو دارند و مورد حمله گروهی (حداقل سه نفری) واقع مي‌شوند.
2. به ندرت با سلاح گرم و بيشتري با وارد آوردن ضربات متعدد سلاح سرد قربانيان خود را هدف قرار مي‌دهند و در برخي موارد قربانيان مجروح خود را در گوشه‌اي رها مي‌کنند تا آرام جان دهند.
3. حملات سطحي انجام نمي‌دهند و عمدتاً ضرب و شتم شديد و قتل عنصر اصلي فعاليت آنها است.

4. مشروب نمی‌خورند، مواد مخدر مصرف نمی‌کنند و فیزیکی قوی دارند (البته در عمل این موارد نسبی است و بسیاری از حملات «کله‌پوستی»ها در حالت غیرعادی (مستی) انجام می‌شود).
5. دختران نیز در این گروه‌ها عضویت دارند و در حملات نیز شرکت می‌کنند.
6. آنها بین قربانیان کودک، جوان، پیر، زن و یا مرد تفاوت قائل نمی‌شوند. [22]
7. اقدام به جنایت در اماکن عمومی از جمله در متروها، دانشگاه‌ها، فروشگاه‌ها و پارک‌ها را ترجیح می‌دهند (Baysinger 2006: 7).

تشدید فعالیت گروه‌های «کله‌پوستی» هرچند دامنه فعالیت خشونت‌آمیز گروه‌های «کله‌پوستی» در روسیه پس از شوروی همواره روندی رو به افزایش داشته، اما از آغاز هزاره جدید این روند به نحو قابل‌ملاحظه‌ای تسریع شده است. بنا به آمار ارائه شده از سوی مرکز مطالعاتی شووا، در سال 1383 از مجموع 256 حمله نژادپرستانه 46 مورد، سال 1384 از مجموع 413 حمله 13 مورد و سال 1385 از مجموع 520 حمله 54 مورد به قتل قربانیان منجر شده است. بر اساس آمار همین مرکز در شش ماهه نخست سال 1386 بیش از 300 مورد حملات نژادپرستانه در روسیه به ثبت رسیده که از این شمار 37 مورد مرگ قربانیان را در پی داشته است (Kozhevnikova 2007: 27). به دنبال قتل مترجم افغانی اداره مهاجرت روسیه در اردیبهشت 1381 به دست «کله‌پوستی»ها و درخواست سفرای برخی کشورها از ایگور ایوانوف وزیر خارجه وقت این کشور برای اقدام جدی‌تر دولت روسیه در برابر روند رو به افزایش اقدامات نژادپرستانه، این پدیده ابعاد بین‌المللی نیز به خود گرفت (Moscow Skinheads Target Southerners" 2002").

دور جدید فعالیت گروه‌های «کله‌پوستی» که به عقیده برخی با روی کار آمدن دولت ملی‌گرای پوتین

در اواخر سال 1378 آغاز شده، با تحول در شمار و کیفیتِ اعضاء و همچنین شیوه‌های اقدام آنها همراه بوده است. شمار اعضاء منتسب به این گروه‌ها از آغاز هزاره جدید افزایش قابل ملاحظه داشته، به نحوی که تعداد آنها از چند ده نفر در ابتدای دهه 70 (90 م) به بیش از 50 هزار نفر در سال 1384 و حدود 70 هزار نفر در سال 1386 رسیده و با توجه به روند فزاینده عضوگیری این گروه‌ها، بیم آن می‌رود که این تعداد تا سال 1389 به بیش از 100 هزار نفر بالغ شود. لذا با عنایت به مجموع حدود 70 هزار نفری شمار «کله‌پوستی»ها در سایر نقاط دنیا، می‌توان ادعا کرد که بیش از دو سوم «کله‌پوستی»های دنیا در روسیه فعال هستند. هرچند با توجه به فعالیت مخفی این گروه‌ها و فقدان آمار رسمی در این خصوص، احتمالاً رقم واقعی اعضاء گروه‌های «کله‌پوستی» در روسیه بسیار بیشتر از این تعداد باشد (Osborn 2005).

افزون بر کمیّت، کیفیت اعضاء گروه‌های «کله‌پوستی» نیز طی این دوره دستخوش تحول بوده است. اعضاء این گروه‌ها در دهه 70 (90 م) اغلب هواداران تیم‌های فوتبال و نوجوانان اوباش بودند، اما از آغاز هزاره جدید بر شمار افراد جوان و میان‌سال این گروه‌ها افزوده شده، سطح عمومی تحصیلات و جایگاه اجتماعی اعضاء ارتقاء یافته و مجاری عضوگیری آنها نیز (از جمله از مدارس دانشگاه‌ها و حتی نهادهای دولتی) متنوع‌تر شده است (Kozhevnikova 2007: 13). به عقیده گالینا کوژونیکووا، [23] کارشناس مرکز سووا، هم‌اکنون در میان «کله‌پوستی»ها دانشجوی، فرزندان خانواده‌های طبقات متوسط به بالا، حتی افسران پلیس و کارمندان دولت نیز دیده می‌شود (Pitulova 2008). سرگئی بلیکف [24] با اشاره به تشدید عنصر خشونت در اقدامات «کله‌پوستی»ها معتقد است: «کله‌پوستی»های دهه 70 (90 م) اوباش‌هایی ساده بودند، اما «کله‌پوستی»های امروز، قاتلان حرفه‌ای هستند. آنها

در حملات خود از پیچ‌گوشی و چاقو استفاده می‌کنند و حملات آنها معمولاً به مرگ قربانیان ختم می‌شود» (Osborn 2005). شایان ذکر است که «کله‌پوستی‌ها» برخلاف گذشته در اقدامات جدید خود به تنهایی نیز مبادرت به حمله می‌کنند. [25]

گستره فعالیت این گروه‌ها نیز در سال‌های اخیر دستخوش تغییر بوده است. در گذشته دامنه فعالیت گروه‌های «کله‌پوستی» عمدتاً محدود به شهرهای بزرگ (مسکو و پترزبورگ) بوده، اما دور جدید فعالیت آنها به شهرهای کوچک نیز گسترده شده است. آمارها حاکی از تمرکز بیشتر فعالیت آنها در مسکو، پترزبورگ، کراسنودار، استاوروپل، سورولوفسک و اکاترین‌بورگ است، اما هر از چند گاهی، گزارش‌هایی از جنایتهای پراکنده این گروه‌ها در سایر شهرهای روسیه نیز منتشر می‌شود (Charny 2005). طی این سال‌ها گروه‌های «کله‌پوستی» توانسته‌اند حمایت‌های مالی و حقوقی مناسبی نیز برای اقدامات خود جلب کرده و از این طریق دوستان خود در زندان را نیز مورد حمایت قرار دهند. «کله‌پوستی‌ها» طی سال‌های اخیر مخالفان خود از جمله فعالان حقوق بشر، وکلا و دانشگاهیان را نیز مورد حمله قرار داده‌اند. فروردین 1383 آلکسی کوزلوف، [26] از اعضای جنبش حقوق بشر جوانان، در ورونژ مورد ضرب و شتم شدید دو تن از «کله‌پوستی‌ها» قرار گرفت. خرداد 1384 نیکلای گریینکو [28] یکی از برجسته‌ترین کارشناسان ضدجنبش «کله‌پوستی» و رئیس کمیسیون حقوق اقلیت‌های جامعه علمی پترزبورگ [29] نیز مورد حمله اعضای این گروه‌ها قرار گرفت و به قتل رسید. او مطالعات وسیعی را در مورد این جنبش انجام داده و مشاور برخی مقامات دولتی در خصوص مبارزه با فعالیت‌های نژادپرستانه بود. ("Russian Federation: Brutal Killing Of Human Rights Defender Nikolai Girenko" 2004: 2) خرداد 1386 نیز والنتین آزونف، [30] همکار نزدیک گریینکو که فعالیت‌های

وي را دنبال مي‌کرد به دست اعضاء همین گروه‌ها به قتل رسيد. (Гилинский 2007)

بسترها و اسباب تشديد فعاليت جريان «کله‌پوستي»ها نابساماني‌هاي دوره پس از شوروي، جنگ چچن و سيل مهاجرت به روسيه در دهه 70 (90 م) سه علت عمده‌اي است که بيشترين تأثير را در سامان‌يابي و انسجام گروه‌هاي «کله‌پوستي» در دوره پس از شوروي داشته و از اين طريق بستر لازم براي تشديد فعاليت اين گروه‌ها را در اين دوره مهيا کرده که در ادامه هر يك از اين علل به اختصار مورد بررسي قرار مي‌گيرد.

الف: نابساماني‌هاي سياسي، اقتصادي و اجتماعي دوره پس از شوروي به تبع مشکلات عديده ناشي از فروپاشي، جامعه روسيه پس از شوروي جامعه‌اي از هم‌گسيخته بود که در آن مؤلفه‌هاي هويتي سابق مورد ترديد قرار گرفته و مباني جديد هويتي نيز هنوز به درستي تعريف نشده بود. بسياري از برنامه‌هاي نابسامان اصلاحات اجتماعي و اقتصادي در اين جامعه خودمدارانه و بدون انديشه‌ورزي بایسته انجام گرفت که ارمغان آن وخامت شديد اوضاع اجتماعي و اقتصادي، افت سطح رفاه، کاهش خدمات آموزشي و بهداشتي، افزايش بيکاري، گسترش فساد و جرائم و بسياري معضلات ديگر بود. بي‌خانمان‌هاي روسيه در دهه 70 (90 م) به بيش از سه برابر اين تعداد در دوره شوروي بالغ شده بودند. مشکلات اقتصادي خانواده‌ها در اين دهه باعث رها کردن حدود 4 ميليون نوجوان و جوان در خيابان‌ها شده بود. خيابان‌هاي روسيه در اين دهه پر از «بچه‌هاي اصلاحات» بود که عبارت بودند از جوانان و نوجوانان بي‌هويت و سردگم، به لحاظ رواني نامتعادل، با سطح تحصيلات پايين، کمبودهاي اقتصادي فراوان، آستانه تحمل اندک و آماده براي انجام هرگونه اقدام خشونت‌آمیز که به راحتی زير تأثير و تحريك گروه‌ها و افراد تندرو از جمله

گروه‌های نژادپرست قرار می‌گرفتند (Викторовна). (2008: 4)

فروپاشی شوروی به همراه سایر تبعات منفی آن، خلأ ایدئولوژیکی ناشی از حذف ایدئولوژی کمونیسم را نیز به وجود آورد که از آن به بحران هویت ملی تعبیر می‌شود. به اعتقاد امیل پین، [31] مدیر بخش تحقیقات افراط‌گرایی و بیگانه‌هراسی مؤسسه جامعه‌شناسی روسیه؛ «فروپاشی دولت چندملیتی شوروی، بحران هویتی را سبب شد که دیدگاه‌ها و تصورات مختلفی از دوست و دشمن در پس آن ظهور کرد». (Nadezhdina 2007) با این ملاحظه تحقیر ملی ناشی از فروپاشی شوروی، بی‌ثباتی‌های اجتماعی و هویتی پس از فروپاشی و تلاش‌های ناموفق برای نوسازی سریع در این دوره از جمله اسباب اصلی بروز افراط‌گرایی و ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر گسترش فعالیت گروه‌های «کله‌پوستی» دانسته می‌شود. افزون بر آشفتگی‌های اجتماعی و هویتی، وضعیت نابسامان سیاسی دهه 70 (90 م) که در آن سازوکارهای غیرقانونی از جمله خشونت برای تحصیل اهداف مورد تکریم قرار می‌گرفت، نیز در گسترش فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه‌های نژادپرست از جمله «کله‌پوستی»‌ها تأثیری غیرقابل اغماض داشت (Голобкова 2007: 73).

ب: جنگ چچن
جستجوی دشمن و مقابله با آن از پایدارترین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی و اجتماعی جامعه روسیه است که ریشه آن به تاریخ کهن این کشور و غلبه دیدگاه‌های امنیت‌محور در این تاریخ باز می‌گردد. این عنصر مهم فرهنگ سیاسی در دوره شوروی از یک سو با تأکید بر «آرمان‌شهر کمونیسم»، «خوشبختی بشر» و «آینده روشن» و از سوی دیگر با تصور از «دشمنان» از جمله کولاک‌ها و حامیان آنها، چپ‌ها و راست‌ها، خرابکاران و کارشکنان که دستیابی به آرمان‌های بازگفته را با چالش و تأخیر مواجه می‌کردند، بازتولید شد. (Гилинский 2007) به طور طبیعی این ذهنیت‌ها و تصورات در فرآیندهای

جامعه‌پذیری به جامعه روسیه پس از شوروی منتقل شد و این جامعه تلاش کرد با جستجوی یک دشمن جدید اقدام به هویت‌یابی کند. هرچند در دوره 70 ساله حکومت کمونیست‌ها، غرب به عنوان دشمن اصلی روسیه معرفی و جامعه کمونیستی با تأکید بر مقابله با آن به عنوان یک «غیرخودی» هویت‌یابی می‌کرد، اما پس از فروپاشی شوروی، با التفات به موج شدید غرب‌گرایی دولتمردان کرملین در ابتدای دهه 70 (90 م) و تلاش آنها برای نزدیکی با تمدن غرب به عنوان دوست روسیه، دشمن باید در جایی غیر از غرب جستجو می‌شد.

در این میان جنگ فرسایشی چین در بازتولید عنصر دشمن در بخشی از جامعه روسیه پس از شوروی نقش بسیار مؤثری ایفا کرد. حملات خشونت‌آمیز گروه‌های جدائی‌طلب چینی به شهرهای روسیه علیه غیرنظامیان و تبلیغات وسیع و منفی رسانه‌های دولتی و خصوصی علیه این جنگ که به دشمن‌تراشی‌ها بیشتر دامن می‌زد، بستر نفرت و بهانه لازم برای بروز اقدامات خشونت‌بار در قالب اقدامات «کله‌پوستی»‌ها علیه اتباع قفقازی به طور خاص و مهاجرین به طور عام را فراهم آورد، که به صورت حمله به این افراد نمود می‌یافت. هرچند اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های «کله‌پوستی» علیه اتباع قفقازی بیشتر با انگیزه تلافی اقدامات خشونت‌بار آنها علیه غیرنظامیان اسلاو انجام می‌گرفت، اما این اقدامات از سوی دیگر بهانه‌ای برای هویت‌یابی جوانان و نوجوانان بی‌هویت روسیه بود. دشمن ملت اسلاو پیدا شده بود و بسیاری از جوانان و نوجوانان با اتکاء به مقابله با این دشمن و شعار «روسیه برای روس‌ها» تلاش می‌کردند مبانی هویتی جدید خود را تحکیم بخشند . (урсул 2008: 41)

ج: سیل مهاجرت به روسیه در دهه 70 (90) موج گسترده مهاجرت طی دهه 70 (90 م) از جمهوری‌های شوروی سابق به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز به روسیه [32] و به تبع آن بروز درگیری و اختلاف بین مردم محلی و مهاجرین به سبب دیدگاه‌ها

و شیوه‌های مختلف زندگی، علت دیگری است که در خصوص رشد ذهنیت‌های بیگانه‌هراسانه در جامعه روسیه به طور عام و در میان «کله‌پوستی»ها به طور خاص به آن تأکید می‌شود (Nadezhdina 2007). بر د معتقد است؛ «دو سوم مردم روسیه در این دیدگاه مشترکند که «روسیه برای روس‌هاست» و خارجی‌ها عامل بیشتر مشکلات هستند». به اعتقاد او؛ «زمانی که جامعه‌ای با مشکلی مواجه می‌شود به دو گونه واکنش نشان می‌دهد. یا اینکه به صورت منطقی به دنبال پاسخی منطقی برای حل مشکل برمی‌آید و یا عاجز از حل مشکلاتش به دنبال دشمنی می‌گردد تا برای فرافکنی و ردّ مسئولیت او را متهم به بروز آن مشکل کند». به اعتقاد او متأسفانه «کله‌پوستی»ها راه دوم را برگزیده‌اند. در دوره پس از شوروی اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی که بیشتر در غالب مهاجر (قدیمی و جدید) در روسیه حضور داشته و دارند بخشی از تصویر مبهم این دشمن جدید مشکل‌زا را شکل داده و بهانه‌ای برای احاله مشکلات شده‌اند (Charny 2005).

هرچند بیشتر مهاجرین به کارهای ساده و خدماتی مشغول بوده و هستند و به لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز وضع بدتری نسبت به روس‌ها داشته و دارند، اما افت شدید سطح رفاه مردم در دهه 70 (90 م) با این تصور همراه بود که مهاجرین عامل اصلی مشکلات هستند. طبق يك نظرسنجي در سال 1384 حدود 40 درصد مردم روسیه معتقد نیستند که مهاجرین بتوانند به توسعه روسیه کمک کنند، 60 درصد معتقدند مهاجرت شرایط جرم و جنایت را بدتر کرده و 70 درصد موافق محدود کردن جریان مهاجرت به روسیه هستند. آمار قربانیان خشونت‌های نژادپرستانه در روسیه نیز حاکی از آن است که طی سال‌های اخیر بیشتر آنها مهاجرین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بوده‌اند که نتوانسته‌اند با شرایط محیط جدید وفق یافته و محیط نیز تمایلی به جذب آنها نداشته‌است. نتیجه این وضعیت شکل‌گیری فضایی از ناراضی و اغلب دشمنی

از سوی اسلاوها به این مهمانان ناخوانده بوده است. [33]

تشدید مشکلات اقتصادی روسیه ناشی از بحران اخیر اقتصادی جهانی نیز مزیدی بر نگرانی نهادهای سیاسی و اجتماعی این کشور از افزایش تنش‌های اجتماعی در این کشور از ناحیه بزهکاری کارگران مهاجر بیکار شده در روسیه و در مقابل واکنش گروه‌های نژادپرست از جمله کله‌پوستی‌ها شده است. بر اساس اعلام وزارت کار روسیه، در اواخر اکتبر 2008 حدود 1137 کارگاه و کارخانه در این کشور اقدام به تعدیل شمار پرسنل خود کرده‌اند که به تبع آن میزان افراد بیکار در روسیه در سال آتی میلادی به 270 تا 300 هزار نفر بالغ خواهد شد. با این التفات، کارشناسان هشدار می‌دهند بیکاری این دسته از مهاجرین خارجی با افزایش همزمان میزان بزهکاری‌ها و جنایات خیابانی همراه خواهد بود و این وضعیت به ویژه با عنایت به افزایش شمار گروه‌های نژادپرست که به شدت با مهاجرین و مهاجرت به روسیه مخالف هستند، افزایش چالش‌های اجتماعی و امنیتی را در پی خواهد داشت. (Mихайлов 2008).

واکنش دولت و جامعه نسبت به پدیده «کله‌پوستی»ها الف: دستگاه اجرایی مقامات دولتی روسیه به تکرار پیرامون غیرقابل‌پذیرش بودن اقدامات نژادپرستانه از جمله فعالیت گروه‌های «کله‌پوستی» سخن رانده‌اند. پوتین بهمن 1383 در مصاحبه‌ای در این خصوص اظهار داشت: «ما از این که شاهد رشد تفکرات نژادپرستانه در روسیه‌ای هستیم که بیشترین تلاش‌ها را برای شکست نازیها و آزاد کردن یهودیان به کار بسته، متأسفیم». او در این مصاحبه بر تشدید تلاش‌های دولت علیه فعالیت‌های ملی‌گرانه افراطی و اقدامات ضدیهودی تأکید و گسترش این اقدامات را برای دولت چندملیتی روسیه مزموم و مخرب دانست. پوتین اسفند 1384 در دیدار با مقامات ارشد وزارت کشور نیز ضمن اشاره به افزایش رفتارهای

نژادپرستانه، ناکارآمدی آنها در اقدام مؤثر و منسجم برای مقابله با این پدیده و دستکم گرفتن خطر گسترش این گونه رفتارها را مورد انتقاد قرار داد. (LeGendre 2006: 24)

با وجود محکومیت جنایات نژادپرستانه «کله‌پوستی»ها از سوی مقامات دولتی و تأکید آنها بر تلاش جدی برای مقابله با این اقدامات، روندها حکایت از آن دارد که این واکنش‌ها عمدتاً جنبه کلی و غیرعملیاتی داشته و اهمال دولت به ویژه نهادهای امنیتی و انتظامی در مقابله با این اقدامات امری بدیهی است. به طور کلی برداشت عام فعالان حقوق بشر داخل و خارج روسیه نیز عدم برخورد جدی دولت با این پدیده است. اوستینوف دادستان کل روسیه در سخنرانی خود در شورای فدراسیون روسیه در پاسخ به نامه‌ی 1383 تعدادی از فعالان حقوق بشر که خواستار اقدامات جدی‌تر دولت در مقابله با روند فزاینده اقدامات نژادپرستانه شده بودند، با سطحی دانستن این گونه فعالیت‌ها، تنها به این اظهار بسنده کرد که: «هر چه بیشتر به این مسائل پرداخته شود، توجه عموم و حساسیت مسئله بیشتر می‌شود» (Charny 2005).

بهمن 1384 ولادیمیر پرونین [34] رئیس پلیس مسکو وجود هر گونه گروه سازمان‌یافته «کله‌پوستی» در مسکو را رد کرد. او ضمن اعتراف به افزایش حملات به خارجی‌ها، این اقدامات را به اوباش‌ها نسبت داد. سرگئی زایتسف [35] دادستان پترزبورگ نیز اقدام به حمله به خارجی‌ها در پترزبورگ را تلاشی در جهت خدشه‌دار کردن وجه این شهر و نه اقدامی افراط‌گرایانه دانست. او با اشاره به وجود تنها دو گروه افراطی در پترزبورگ (شولتز 99 [36] و جمعیت دیوانه [37])، تأکید کرد تمام اعضاء این گروه‌ها آذر 1384 دستگیر و زندانی شده‌اند. جالب تأمل اینکه مقامات پترزبورگ قتل گرینکو را نیز به اوباش‌ها نسبت دادند. والنتینا ماتویینکو [38] فرماندار این شهر نیز با متهم کردن رسانه‌ها به بزرگنمایی خشونت‌های

نژادپرستانه، این حوادث را از جمله خشونت‌های عادی دانست و با اشاره به دستگیری 5 نفر در اردیبهشت 1385 مدعی شد این افراد آخرین اوباش‌هایی هستند که در این گونه حوادث شرکت داشته‌اند. ("Not .Neo-Nazis St. Petersburg Governor Says (Dangerous" 2006: 21)

در گزارش کمیسیون اروپا علیه نژادپرستی و تعصب (ای‌سی‌آر‌آی) [39] با اشاره به اهمال دولت در مبارزه با پدیده نژادپرستی در روسیه تأکید شده؛ «به نظر می‌رسد مقامات دولت روسیه چشم‌های خود را به روی این مشکل فزاینده بسته و قصد مقابله جدی با آن را ندارند». سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارشی با اشاره به تشدید فعالیت‌های نژادپرستانه در روسیه معتقد است؛ «دولت اقدامات اندکی برای مقابله با این پدیده انجام داده است» (Nadezhdina 2007). منتقدین با اشاره به این مهم که در دوره پس از شوروی فعالیت گروه‌های مختلف چپ‌گرا در قالب‌های مختلف حزب و جنبش زیر عناوین مختلف ضدساختاری و تروریستی محدود شده، اما فعالیت گروه‌های راست‌گرا از جمله گروه‌های افراطی این طیف مورد مخالفت جدی دولت قرار نگرفته و حتی در برخی موارد تأیید ضمنی آن را نیز به همراه داشته، اهمال دولت در مبارزه با گروه‌های افراطی راست‌گرا از جمله «کله‌پوستی»‌ها را خالی از اغراض سیاسی نمی‌دانند. از منظر آنها این اهمال‌ها در حالی صورت می‌گیرد که اقدامات گروه‌های چپ‌گرا اغلب سیاسی و غیرخشونت‌آمیز و فعالیت گروه‌های راست‌گرا عمدتاً غیرسیاسی و با چاشنی خشونت توأم بوده است. (Фочкин 2007a) در این خصوص عقیده بر آن است که دولتمردان روسیه پس از جنگ چچن، حملات جدایی‌طلبان چچنی به شهرهای روسیه و پدیده انقلاب‌های رنگی در گستره شوروی سابق به حمایت‌های ضمنی و آشکار از گروه‌های راست‌گرا متمایل شده‌اند. (Mitrokhin 2006: 24)

الکساندر وینیکف [40] یکی از اعضای گروه روسیه بدون نژادپرستی [41] با اشاره به افزایش قابل ملاحظه فعالیت گروه‌های نژادپرست از جمله

«کله‌پوستي»ها به ویژه در دوره پوتین، معتقد به حمایت ضمنی مقامات دولتی به ویژه امنیتی از این گروه‌ها است. به اعتقاد او این گروه‌ها با تلاش برای تهییج احساسات ملی‌گرایانه مردم دیدگاه‌هایی مشابه با دولت‌مردان کرملین دارند. به عقیده او: «دغدغه دولت پوتین چگونه مبارزه کردن با موج فزاینده نژادپرستی نبود، بلکه چگونه استفاده کردن از این جریان برای دستیابی به مقاصد سیاسی بود، به نحوی که از کنترل کرملین خارجی نشود». به اعتقاد وینیکف: «واقعیت آن است که بسیاری از سیاستمداران روسیه به نژادپرستی فرهنگی اعتقاد دارند» (Zaitchik and Ames 2007). نکته حائز تأمل در این خصوص، خشونت و اقدامات تبعیض‌آمیز نهادهای انتظامی و امنیتی نسبت به خارجی‌ها است. [42] در نظرسنجی که اسفند 1384 از سوی بنیاد دآوری عمومی روسیه [43] در بین افسران این نهادها انجام شد؛ 39 درصد با شعار روسیه برای روس‌ها موافق و 53 درصد مخالف بوده‌اند. هرچند که این میزان از متوسط مردم کمتر است، با این وجود حائز تأمل و پیامدهای قابل ملاحظه است. (Gudkov and Dubin 2006)

دولت روسیه بنا به ملاحظات از جمله جلوگیری از خدشه دار شدن پرستیژ آن در جامعه بین‌الملل از انتساب جرائم «کله‌پوستي»ها به نژادپرستی ابا دارد و تلاش می‌کند این گونه جنایات را به درگیری‌های شخصی و اوباش‌گری نسبت دهد. به عنوان مثال در گزارش سالانه وزارت کشور روسیه از آمار جرائم حادث شده در سراسر کشور، هرچند دسته‌ای از جرائم زیر عنوان کلی افراط‌گرایی قرار می‌گیرند، اما این عنوان تفکیک نمی‌شود و به جرائم با انگیزه‌های نژادپرستانه اشاره‌ای نمی‌شود. به واسطه به رسمیت شناخته نشدن این جنایات به عنوان اقدامات نژادپرستانه، دولت هیچ برنامه جامع و مشخصی برای برخورد با جنبش «کله‌پوستي»ها ندارد و در شاکله آن نیز هیچ به نهاد خاصی وظیفه مستقیم پی‌گیری و مقابله با این گونه جرائم احاله نشده است. [44]

در مجموعه دولت دفتر فریادرس حقوق بشر [45] به ریاست ولادیمیر لوکین [46] و شورای ریاست جمهوری توسعه نهادهای جامعه مدنی و حقوق بشر [47] به ریاست ایلا پامفیلووا [48] دو نهادی هستند که تمرکز اصلی آنها بر مسائل حقوق بشر است و به طور ضمنی و با توان تأثیر اندک به پیگیری جرائم نژادپرستانه اقدام می‌کنند. بهمن 1385 پامفیلووا و لوکین مشترکاً طی نامه‌ای به دادستان کل، رئیس دیوان عالی و وزیر دادگستری روسیه نسبت به افزایش جرائم نژادپرستانه و ناکارآمدی اقدامات سلبی دولت در برابر این فعالیت‌ها هشدار دادند. (LeGendre 2006: 25) فقدان نهاد دولتی که وظیفه مستقیم برای مقابله با این پدیده را عهده‌دار باشد باعث عدم واکنش بایسته دستگاه اجرایی به این جرائم شده و تنها تراکم اعتراضات نهادهای مدنی داخلی و فشارهای خارجی، واکنش موردی آن را در پی داشته است. مرور تحولات نیز حاکی از آن است که با توجه به فشار جامعه یهودیان خارج روسیه، دولت نسبت به حملات گروه‌های «کله‌پوستی» به یهودیان بیش از سایر قربانیان حساسیت دارد. [49]

ب: دستگاه قضائی
به اعتقاد تحلیل‌گران یکی از علل گسترش فعالیت گروه‌های نژادپرست از جمله «کله‌پوستی»ها فقدان قوانین سخت‌گیرانه برای مجازات آنها است. هرچند دومی دولتی روسیه تابستان 1381 در پی جنگ چچن و حملات به شهرهای روسیه، قوانین ویژه‌ای برای مقابله با افراط‌گرایی به تصویب رساند، اما جالب اینکه اقدامات «کله‌پوستی»ها که نمونه بارزی از افراط‌گرایی ملی‌گرایانه است در چهارچوب این قوانین مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. از سال 1384 دستگاه قضایی روسیه نیز با تصویب مجازات‌های سنگین‌تر، تنبیهات سخت‌گیرانه‌تری را نسبت به مرتکبان این گونه جرائم در دستورکار قرار داد. در شش ماهه نخست این سال نیز افرادی به اتهام‌های مرتبط با فعالیت نژادپرستانه از سوی دستگاه‌های

قضای روسیه مجرم شناخته و مجازات‌هایی برای آنها در نظر گرفته شد. دادگاه‌های روسیه طی این سال پرونده‌های متعددی از این گروه‌ها از جمله «شولز 88»، «جمعیت دیوانه» و «لینکس» [50] را مورد رسیدگی قرار دادند. اما با وجود اینکه در مجموعه قوانین جزائی روسیه مجازاتی برای اقدامات جنایی با انگیزه‌های قومی، نژادی، ملی‌گرایانه و مذهبی و حتی تحریک به این گونه جرائم پیش‌بینی شده (مواد 213-111-105-63 قانون

جزائی) (Письменные Ответы Правительства Российской Федерации 2008: 13)

اما روندها حاکی از آن است که دادگاه‌های این کشور متهمان به این اقدامات را عمدتاً به اتهام اوباش‌گری و نه نژادپرستی مورد محاکمه قرار داده‌اند. اغلب اوقات پی‌گیری موارد ضرب و شتم به نتیجه مشخصی ختم نمی‌شود و اگر مسببی نیز معرفی شود در مراحل بعد یا تبرئه می‌شود و یا به مجازات‌های سطحی در مورد وی بسنده می‌شود. تنها در موارد قتل حساسیت مقامات قضایی کمی بیشتر است. (Фочкин 2007b)

به طور کلی و بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی مرکز مطالعاتی سووا؛ موارد اندکی از جنایات‌های «کله‌پوستی»ها مورد رسیدگی مقامات قضایی قرار گرفته به نحوی که در سال 1382 تنها سه نفر، در سال 1383 تنها 8 نفر و سال 1384 تنها 16 نفر به این اتهامات مجرم شناخته شدند. (Kozhevnikova 2006) تنها نهادی نیز که طی سال‌های اخیر به اتهام اقدامات و تبلیغات نژادپرستانه فعالیت آن منع شد حزب اتحاد ملی است. این حزب اواسط دهه 70 (90 م) به رهبر کنستانتین کاسیموفسکی [51] شکل گرفت و در سطح وسیعی به تبلیغات بیگانه‌هراسانه اقدام می‌کرد. در سال 1377 روزنامه این حزب توقیف، کاسیموفسکی نیز یک سال بعد دستگیر و فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شد (هرچند هم‌اکنون این حزب به جنبش «عمل روسیه» تغییر نام داده و به

فعالیت‌های مخفی خود ادامه می‌دهد) . (Фочкин 2007a)

ج: نهادهای مدنی (احزاب و رسانه‌ها) نباید این مهم را از نظر دور داشت که به هر تقدیر «کله‌پوستی»ها بخشی از جامعه روسیه را تشکیل می‌دهند و اقدامات آنها انعکاسی از دیدگاه‌های جاری در این جامعه است. لذا به اعتقاد بسیاری، اقدامات نژادپرستانه «کله‌پوستی»ها در فضایی از تأیید ضمنی بخشی از مردم [52] و نهادهای مدنی (برخی از رسانه‌ها و احزاب) صورت می‌گیرد و این حمایت در توسعه فعالیت آنها بی‌تأثیر نبوده است. رسانه‌های گروهی روسیه بدون شك با اغراق در تهدید از ناحیه «دیگران» و تلقین پیش‌ذهنیت‌ها و پیش‌داوری‌ها در افزایش احساسات و اقدامات نژادپرستانه «کله‌پوستی»ها مسئول و دخیل هستند. هرچند نشانه‌های بیگانه‌هراسانه در رسانه‌ها اغلب در پوششی منطقی و مخفی انعکاس می‌یابد، اما تأثیر همین شیوه بر مردم به ویژه جوانان غیرقابل تردید است. به عنوان مثال رسانه‌های روسیه که در دهه 70 (90 م) تبلیغات ضداسلامی و ضدچچنی را در راستای مبارزه با تروریسم به عنوان امری موجه به طور گسترده در دستورکار قرار داده بودند، در تحریک احساسات جامعه روسیه علیه اتباع قفقازی نقش مؤثری به عهده داشتند. جالب تأمل این که بر اساس بررسی‌ها، تکرار این نشانه‌ها در رسانه‌های دولتی و ملی نسبت به رسانه‌های محلی و خصوصی بیشتر بوده است. (LeGendre 2006: 21) بیش از صد نشریه در روسیه نشانه‌های بیگانه‌هراسانه را در سطوح و اشکال مختلف تبلیغ می‌کنند که «برای آرمان روسیه» [53]، «عصر روسیه» [54]، «پترزبورگ جدید» [55] و «فردا» [56] از آن جمله‌اند (Charny 2005). هرچند وزارت رسانه‌های روسیه در سال 1385 دوازده روزنامه را به اتهام تبلیغات نژادپرستانه توقیف کرد، اما این روزنامه‌ها

چندی بعد با عناوین جدید فعالیت خود را از سر گرفتند. (Simonov 2006)

استفاده برخی احزاب رسمی از شعارهای ملی‌گرایانه تحریک‌کننده و طرح پیشنهادهایی برای محدود کردن مهاجرت به روسیه نیز در تقویت ذهنیت‌های بیگانه‌هراسانه مؤثر بوده است. [57] برای مثال حزب رُدینا (از جمله احزاب فعال در دومای چهارم) و حزب لیبرال دموکرات (حزب ملی‌گرای افراطی در تمام ادوار دوما در سال‌های اخیر)، انجام این گونه تبلیغات را در سطح وسیعی در دستورکار قرار داده‌اند. شعارهای ملی‌گرایانه (بعضاً افراطی) و بیگانه‌هراسانه این احزاب دست‌آویز مناسب آنها برای جلب آراء مردم با شعار «یا ما یا دشمنان» است. [58] در این شعارها بر این مهم تأکید می‌شود که سپردن زمام امور به غیراسلاوها سپردن «گله به گرگ» است و غیراسلاوها قادر به رفع هیچ مشکلی نیستند. در برخی موارد نیز این گونه تبلیغ می‌شود که گروه‌های ملی‌گرا (از جمله «کله‌پوستی‌ها») نیروی‌های اجتماعی مؤثری برای جلوگیری از توطئه خارجی‌های علیه مردم (از جمله از طریق انقلاب‌های رنگی) هستند. این وضعیت به نحوی است که به اعتراف یوری دیاکوف، [59] نماینده سابق دوما؛ «ملی‌گرایی در روسیه به ابزاری سیاسی برای بازی‌های سیاسی تبدیل شده است». (Гилинский 2007) نکته حائز عنایت این که برخی احزاب نژادپرست اروپا از جمله اعضای حزب سوسیالیست ملی‌گرای کارگران آلمان (هیأت جدید حزب نازی سابق) آزادانه به روسیه مسافرت و به تبادل دیدگاه‌های خود با احزاب و جنبش‌های نژادپرست این کشور می‌پردازند و هیچ محدودیتی در این خصوص اعمال نمی‌شود. (Grishin 2007)

جمع‌بندی

با عنایت به دو بُعد اصلی اجتماعی و اقتصادی مسئله «کله‌پوستی‌ها» در جامعه روسیه پس از شوروی، مقابله با آن نیازمند طرح یک راهبرد بلندمدت با تمرکز بر این دو جنبه است.

برنامه‌ریزی بلندمدت برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی طبقه متوسط و به ویژه محروم جامعه از جمله تلاش برای افزایش سطح عمومی رفاه و برنامه‌ریزی برای افزایش سطح عمومی آگاهی‌ها و تحصیلات جوانان این بخش از جامعه به ویژه در آموزش عالی می‌تواند گامی مؤثر در درمان ریشه‌ای این پدیده باشد. تقویت جامعه مدنی و ایجاد بستر لازم برای مشارکت مشروع گروه‌های مختلف اجتماعی و آموزش مستقیم اجتماعی برای بالا بردن آستانه تحمل عموم در برابر «دیگران» و «غیرخودی‌ها» نیز می‌تواند گامی کارآمد در کاهش گرایش جوانان به این گروه‌ها باشد.

در کوتاه مدت نیز نظارت بیشتر بر رسانه‌های گروهی و منع آنها از نشر دیدگاه‌های بیگانه‌هراسانه، تدوین قوانینی برای مجازات‌های سنگین‌تر برای مرتکبین این گونه اقدامات و برخورد جدی با رهبران احزاب و جنبش‌هایی که نشانه‌های نژادپرستانه را تبلیغ می‌کنند می‌تواند بسترهای تحریک این اقدامات را کاهش دهد. از آن جا که طی سال‌های اخیر پراکندگی اقدامات نهادهای مختلف اجرایی، تقنینی و قضایی یکی از عوامل اصلی عدم مقابله جدی با گسترش فعالیت‌های نژادپرستانه بوده، به نظر می‌رسد گام اول در مبارزه مؤثر، اتخاذ موضعی قاطع و هماهنگ از سوی این نهادها باشد. در متن این تلاش‌ها دولت باید نهاد ویژه‌ای را تشکیل داده و مأمور مستقیم بررسی چگونگی مقابله و هماهنگ کردن تلاش سایر نهادها در این زمینه کند.

پانوشتها

[1] . Russism

[2] . The skinhead movement

[3] . (the Russian National Unity (RNE

[4] . the National Sovereign Party

[5] . جنبش مخالفان مهاجرت غیرقانونی (the Movement

(Against Illegal Immigration (DPNI)) : تیر 1381 به رهبری

الكساندر بلوف پایه‌گذاری شد و حدود 5 هزار عضو دارد.

[6] . the National Popular Party

[7] . the Party of Liberty

[8] . the Russian Liberation Union

[9] . اتحادیه اسلاوی (Slavic Union) : شاخه‌ای از جنبش اتحاد ملی‌گرایان (که فعالیت آن غیرقانونی اعلام شده) به رهبری دمیتری دمیشکین است که در مسکو حائز حدود 5 هزار عضو است.

[10] . گروه فرمت 18 (Format 18) : ماکسیم مارتسینکوویچ رهبر این گروه است که به اتهام تبلیغات نژادپرستانه و قتل دستگیر و زندانی شده است.

[11] . جامعه سوسیالیستی ملی‌گرا (ان‌اسی) (National Socialist Socialist Society (NSO)) : به رهبری دمیتری ژمیانسوف که بر برتری نژاد اسلاو تأکید و خشونت علیه غیراسلاوها را تبلیغ می‌کند.

[12] . جنبش اراده مردم (People's Will) : آذر 1380 به رهبری سرگئی بابورین شکل گرفت و فروردین 1386 با ائتلاف با 13 گروه ملی‌گرای دیگر جنبش اتحاد مردم را شکل داد.

[13] . حزب ملی‌گرای بلشویک (National Bolshevik Party) : این حزب از قدیمی‌ترین و در عین حال بزرگترین گروه‌های نژادپرست و بیگانه‌هراس روسیه است که اخیراً فعالیت رسمی آن از سوی مقامات دولتی غیرقانونی اعلام شده، اما فعالیت مخفی آن همچنان ادامه دارد و تعداد اعضای آن بیش از ده هزار نفر تخمین زده می‌شود.

[14] . the Cozaks

[15] . جنبش «کله‌پوستی»ها (The skinhead movement) : مهمترین جنبش نژادپرست روسیه هستند که در گروه‌های کوچک و بزرگ فعالیت می‌کنند و شمار اعضای آن در سال 1386 به بیش از 70 هزار نفر تخمین زده می‌شد.

[16] . Alexander Brod

[17] . Николай Смуров

[18]. نکته جالب تأمل در خصوص گروه های «کله پوستی»، تشدید فعالیت آنها حدود 20 آوریل (سالروز تولد هیتلر) است. به عنوان مثال در آوریل 2006 نه نفر در اثر حملات این گروه ها به قتل رسیده اند. برای اطلاع بیشتر ر ك به:

Фочкин 2007b

[19]. Alexander Sukharevsky

[20]. far-right National People's Party

[21]. SOVA Center

[22]. سال 1383 خورشیدا سلطانوا دختر 9 ساله تاجیک در مقابل چشمان پدرش مورد حمله 10 نفر از «کله پوستی» ها قرار گرفت و با 11 ضربه چاقو به قتل رسید. زمانی که در دادگاه از باکماکف یکی از مهاجمان به این دختر سئوال شد که آیا از اقدام خود پیشمان است یا خیر؟ در پاسخ گفت: «وقتی سوسکها را می‌کشید هیچگاه از کرده خود پیشمان نمی‌شوید». برای اطلاع بیشتر ر ك به:

Osborn 2005

[23]. Galina Kozhevnikova

[24]. Sergey Belikov

[25]. به عنوان مثال دي 1385 الکساندر گوپتف، یکی از اعضاء «کله پوستی» ها، به تنهایی با حمله به اجتماع یهودیان در کنیسه ای در مسکو 9 نفر از آنها را با چاقو زخمی کرد. برای اطلاع بیشتر ر ك به:

Kozhevnikova 2007: 5

[26]. Aleksei Kozlov

[27]. the Youth Human Rights Movement

[28]. Nikolai Girenko

[29]. the Minority Rights Commission at the St Petersburg

Scientific Union

[30]. Валентин Узунов

[31]. Emil Pain

[32]. شمار مهاجرین غیرقانونی در روسیه بین 8 تا 12 میلیون نفر تخمین زده می‌شود که 8 میلیون آنها

اتباع جمهوری‌های شوروی سابق هستند. از این تعداد حدود 2 میلیون آذری، 1 میلیون ارمنی، و 500 هزار گرجی بطور قانونی در روسیه زندگی می‌کنند. حدود 500 هزار کارگر فصلی چینی نیز عمدتاً به طور غیرقانونی در سیبری و مناطق شرق دور روسیه به کار مشغول می‌شوند. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Laruelle 2007:103

بر اساس آمارها در سال 2008 حدود 7 میلیون خارجی در روسیه به عنوان مهاجر به ثبت رسیده‌اند که این تعداد نسبت به سال قبل از آن 16 درصد افزایش را نشان می‌دهد. بیشتر این مهاجران از سایر جمهوری‌های به جای مانده از شوروی سابق به ویژه از منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هستند که به سبب مشکلات اقتصادی کشورهای متبوع خود راه مهاجرت را پیش گرفته‌اند. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Михайлов 2008

[33]. به عنوان مثال در سال 1382 در میان متهمان دستگیر شده از سوی نهادهای انتظامی و امنیتی 2/7 درصد خارجی بودند که 2/5 درصد این تعداد را مهاجرین حوزه شوروی سابق تشکیل می‌داده‌اند. این در حالی است که در سال 1385 این رقم به 3/5 درصد رسیده و از سوی دیگر 17/3 درصد قربانیان جرائم نیز از این کشورها بوده‌اند. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Гилинский 2007

Vladimir Pronin . [34]

Sergei Zaitsev . [35]

Schultz-88 . [36]

Mad Crowd . [37]

Valentina Matvienko . [38]

the European Commission against Racism and . [39]

(Intolerance) (ECRI

Alexander Vinnikov . [40]

[41] . The Group For Russia Without Racism

[42] . طبق بررسی که از سوی مؤسسه جامعه‌شناسی باز صورت گرفته؛ تنها 4/6 درصد مسافرین مترو در روسیه افرادی با ظاهر غیراسلاو بوده‌اند، اما جالب اینکه 50/9 درصد همین تعداد اندک از سوی پلیس حاضر در این ایستگاه‌ها مورد سؤال و بازجویی قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر غیراسلاوها 21/8 بار بیش از اسلاوها از سوی پلیس متوقف شده‌اند. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

“2006 Ethnic Profiling in the Moscow Metro”
the Public Verdict Foundation . [43]

[44] . به همین علت آمار ارائه شده از سوی دولت در خصوص شمار «کله‌پوستی»‌های با آمار ارائه شده از سوی نهادهای حقوق بشر داخلی و خارجی بسیار متفاوت است. بر اساس اعلام رسمی مقامات روسیه شمار «کله‌پوستی»‌ها در سال 1384 حدود 10 هزار نفر برآورد شده که در 35 گروه عمده فعالیت می‌کرده‌اند، حال آنکه این رقم در منابع مستقل بالغ بر 50 هزار نفر ذکر شده است. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Charny 2005

[45] . The Russian Human Rights Ombudsman

[46] . Vladimir Lukin

[47] . the Presidential Council on Developing Civil Society

Institutions and Human Rights

[48] . Ella Pamfilova

[49] . پوتین در پاسخ به درخواست‌های مکرر مقامات اسرائیل، از جمله در دیدار با المرت در سال 1384، بر تشدید تلاش‌های دولت روسیه برای حفظ امنیت جامعه یهودیان این کشور تأکید کرد. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

Charny 2005

[50] . Lynx

[51] . Константин Касимовский

[52]. تحقیقات مرکز مطالعاتي سوا حاکي از افزایش احساسات بیگانه‌هراسانه مردم روسیه است. طبق نظرسنجي این مرکز در آذر 1384، حدود 16 درصد مردم با شعار روسیه برای روسها کاملاً موافق، 37 درصد تا حدودي موافق و 23 درصد مخالف بوده‌اند. برای اطلاع بیشتر ر ك به:

Golov 2005

[53]. za Russkoye Delo

[54]. Era Rossii

[55]. Novy Peterburg

[56]. Zavtra

[57]. مثلاً ولادیمیر ژیرینفسکی در دوماي چهارم پیشنهاد کرد نهادهای امنیتی روسیه با ایجاد جوخه‌های مرگ تمام جنگجویان چچني را ترور کنند. برای اطلاع بیشتر ر ك به:

Pitulova 2008

[58]. برای اطلاع بیشتر پیرامون دیدگاه‌ها و فعالیت این دو حزب ر ك به؛

نوري 1386: فصل سوم

[59]. Yuri Diyakov

منابع و مآخذ

منابع فارسي

1. نوري، علي‌رضا (1386) "عمل‌گرایی پوتین و فرآیند شکل‌گیری اجماع و سازگاری در سیاست خارجی روسیه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

منابع انگلیسی

1. "Ethnic Profiling in the Moscow Metro" (2006) Open Society Institute. [online]: <http://www.justiceinitiative.org>

- Moscow Skinheads Target Southerners" (2002) Center for Defense Information (CDI Russia Weekly). [online]: [\[http://www.cdi.org/russia/204.txt\]](http://www.cdi.org/russia/204.txt). [May 2, 2002] .2
- Russian Federation: Brutal Killing of Human Rights Defender Nikolai Girenko" (2004) Amnesty International. (Public Statement EUR 46/038/2004): 1-2 .3
- St. Petersburg Governor Says Neo-Nazis not Dangerous" (2006) UCSJ, Bigotry Monitor: 17-26 .4
- Atkinson, Graeme (2007) "Russia: The killing goes on". Russian Human Rights Solidarity Campaign: 13-29 .5
- Baysinger, Timothy G. (2006) "Right-Wing Group Characteristics and Ideology". Homeland Security Affairs. 2, 2: 1-18 .6
- Charny, Semyon (2005) "Racism, Xenophobia, Ethnic Discrimination and Anti-Semitism in Russia". Moscow Bureau for Human Rights. [online]: <http://www.internal-displacement.org/8025708F004CE90B/81FB8C02AFFDB267C125723E0033DA18/file/xenoruss.pdf>. [January – June 2007] .7
- Grishin, Anton (2007) "Skinhead Russia". Moscow News. [online]: <http://www.russiaprofile.org/page.php3Fpageid3DCDIRussiaProfileList26articleid3Da1189180556&wideologyrussiaskinh> [ead. [September 6, 2007] .8
- Gudkov, Lev and Dubin, Boris (2006) "Privatizatsii Politsii". Levada Analytical Center. [online]: <http://www.publicverdict.org/ru/articles/research/ppl.html>. [[February 13, 2006] .9
- Kozhevnikova, Galina (2006) "Radical Nationalism in Russia and Efforts to oppose it in 2005". SOVA Center. [online]: <http://xeno.sova-center.ru/6BA2468/6BB4208/6E811ED>. [February 25, 2006] .10

- Kozhevnikova, Galina (2007) "Radical Nationalism in Russia and Efforts to Counteract it in 2006". SOVA Center for Information and Analysis: 1-27 .11
- Laruelle, Marlène (2007) "Central Asian Labor Migrants in Russia: The "Diasporization" of the Central Asian States?". China and Eurasia Forum Quarterly. 5, 3: 101-119 .12
- LeGendre, Paul (2006) "Minorities under Siege: Hate Crimes and Intolerance in the Russian Federation". Human Rights First: 1-25 .13
- Marat, Erica (2006) "Nationalism and Russian Skinhead Movements". The Times of Central Asia: 5 .14
- McLennan, Keith (2005) "Racism in Russia". [online]: .15
<http://www.betteredit.com/examples/4-critique.pdf>.
 [October 7, 2005
- Mitrokhin, Nikolai (2006) "Non-Islamic Extremism in Today's Russia". Russia in Global Affairs. 4, 4: 14-28 .16
- Nadezhkina, Sasha (2007) "Racist Attacks Threaten Multiculturalism in Russia". ABCnews. [online]: .17
<http://abcnews.go.com/International/story?id=3596145&page=1>. [September 13, 2007
- Osborn, Andrew (2005) "Violence and Hatred in Russia's New Skinhead Playground". [online]: .18
<http://www.rickross.com/groups/skinheads.html>. [January 25, 2005
- Pitulova, Nadezhda (2008) "Oh, Those Hospitable Russians!". The Russia Journal chitatel. [online]: .19
<http://russophobe.blogspot.com/2008/01/oh-those-hospitable-russians.html>. [January 2008
- Simonov, Vladimir (2006) "Russian Skinheads 60 Years after Hitler's Defeat". RIA Novosti. [online]: .20
<http://en.rian.ru/rian/index.cfm>. [February 2, 2006
- Zaitchik, Alexander and Ames, Mark (2007) "Skinhead Violence Rising in Russia". The Nation. [online]: .21

[http://www.thenation.com/docprint.mhtml?i=20070910&s=\[zaitchik_ames](http://www.thenation.com/docprint.mhtml?i=20070910&s=[zaitchik_ames). [August 29, 2007

منابع روسي

1. Письменные Ответы Правительства Российской Федерации на Перечень Вопросов, Сформулированных Докладчиком Комитета по Ликвидации Расовой Дискриминации в Связи с Рассмотрением Объединенных Восемнадцатого и Девятнадцатого Докладов Российской Федерации (2008), Международная Конвенция о Ликвидации Всех Форм Расовой Дискриминации Комитет по Ликвидации Расовой Дискриминации, Семьдесят Третья Сессия (CERD/C/RUS/19): 1-44. [28 июля - 15 Августа 2008

2. Праграма Гражданских Действий против Фашизма" " (2006) SOVA Центр. [online]: <http://xeno.sovacenter.ru/29481C8/752A760>. [Май 14, 2006

3. Викторовна, Калашникова Вера (2008) "Формирование Молодежных Субкультур в Бурятии", Научный Журнал Кубгау. 37, 3: 1-10

4. Галов, А (2005) "Массовое Восприятие Национальных Миноритетов: Перемены за Год". Levada Аналитический Центр. [online]: <http://www.levada.ru/press/2005121400.html>. [December 14, 2005

5. Гилинский, Яков Ильич (2007) "От Цивилизованности к Варварству: Преступления Ненависти и Современная Российская Реальность". Независимая Газета. [online]: http://www.ng.ru/ideas/2007-12-14/10_varvar.html. [Декабря 14, 2007

6. Голобкова, Яна (2007) "Становление Экстремистских Молодежных Организаций на Дальнем Востоке России". Власть. 71: 71-74

- Михайлов, Григорий (2008) "Мигранты начали экономить". Независимая Газета. [online]:
http://www.ng.ru/cis/2008-10-31/5_migrants.html.
[[Октябрь 31, 2008 .7
- Смуров, Николай (2008) "Бритоголовый Патриотизм". Итоги, 32, 218 [online]:
<http://www.itogi.ru/archive/2008/32.html> [Август 8, 2008 .1
- урсул, виталий (2008) "Скинхеды: Миф или Реальность в Современной России". Власть, 1: 37-43 .8
- Фочкин, Олег (2007) "Скинхеды в России. Прошлое, Настоящее, Будущее. Часть I". Московский Комсомолец. [online]:
<http://www.mk.ru/blogs/mk/2007/07/12/russia/300207>.
[[Июль 12, 2007 .9
- Фочкин, Олег (2007) "Скинхеды в России. Прошлое, Настоящее, Будущее. Часть II". Московский Комсомолец. [online]:
<http://www.mk.ru/blogs/mk/2007/07/13/russia/300403>.
[[Июль 13, 2007 .10